اخلاق در حوزه

انتقاد و انتقادپذیری

آیت‌الله‌العظمی مظاهری

بخش دوم

باید توجه شود که اسلام عزیز آبروریزی، اهانت و غیبت ندارد. قرآن کریم درباره غیبت می‌فرماید: ﴿ولایغتب بعضکم بعضاً ایحب احدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً فکرهتموه﴾[۱]؛ آیا می‌خواهید گوشت مرده بخورید؟ اگر نه، پس غیبت نکنید. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله غیبت را چنین معنا کرده‌اند: «ذکرک أخاک بما یکرهه»[۲]؛ یعنی آنچه که در رویش نتوانی بگویی، پشت سرش بگویی. غیبت آن است که اگر بشنود، بدش بیاید. امام حسین علیه‌السلام خطاب به شخصی که غیبت می‌کرد، فرمودند: «کف عن‌الغیبة فإنها إدام کلاب‌النار»[۳]؛ از غیبت دست بردار که غیبت، خورش سگ‌های جهنم است. به‌عبارت دیگر، کسی که غیبت عادت او شده، آبرو و شخصیت دیگران را می‌درد. پس در قیامت به‌شکل سگ که یک حیوان درنده است، محشور خواهد شد. غذای او نیز، همان گوشت‌های متعفن است که با غیبت برای خودش به جهنم فرستاده و باید بخورد.

گاهی نیز عیبی نسبت داده می‌شود که اساساً حقیقت ندارد و تهمت است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: کسی که به مرد یا زنی تهمت بزند، او را در قیامت روی تلی از چرک و خون نگاه می‌دارند.[۴] در واقع، آن چرک و خون، تجسم تهمت‌های دنیاست.

همه اینها غلط است و از ناحیه شیطان سرچشمه می‌گیرد. انتقاد صحیح و رفتار خداپسند آن است که برای همدیگر در خلوت و نه در مقابل دیگران، مثل آینه باشیم. البته شخص مقابل نیز لازم است، انتقادپذیر باشد و عیب خویش را قبول کرده، برای رفع آن بکوشد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «أحب إخوانی إلی من أهدی إلی عیوبی»[۵]؛ بهترین دوستان و برادران من کسی است که عیوب مرا بگوید؛ ولی از آن به‌عنوان هدیه یاد می‌کنند. بر این اساس، انسان باید با شنیدن انتقاد دیگران و اطلاع از عیوبش، مثل وقتی که هدیه‌ای دریافت می‌کند، خوشحال شود.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: دوست تو از آن جهت «صدیق» نامیده شده است که «صادقانه» درباره خودت و معایبت، تو را نصیحت می‌گوید. پس هرکه چنین بود، رفیق او باش که دوست، اوست.[۶] آن‌حضرت در روایت دیگری فرموده‌اند: آنکه عیب تو را بپوشاند و در غیاب تو از تو عیب‌جویی کند، دشمن توست؛ [پس] از او بر حذر باش![۷]

اگر انتقاد و انتقادپذیری در بین ملتی رواج یابد، آنگاه آن ملت، ملتی عاقل و مترقی خواهد شد؛ زیرا درصدد رفع عیوب است. در چنین جامعه‌ای مردم دو دسته هستند؛ یک دسته خودشان می‌فهمند که عیب دارند و به‌طور طبیعی برای رفع آن تلاش می‌کنند. دسته دوم، از عیوب خود بی‌خبرند. در این صورت دیگران آینه عیب آنها می‌شوند و آنان را در این خصوص آگاه می‌سازند تا به رفع عیوب خود بپردازند.

بیشتر مردم به‌جای اینکه از انتقاد خوشحال شوند، از شنیدن تعریف و تمجید خود، خشنود می‌گردند. اگر کسی از آنها انتقاد کند، برافروخته و عصبانی شده، درصدد توجیه عیب و اشکال برمی‌آیند. گاهی نیز با منتقد برخورد می‌کنند؛ یعنی آینه‌ای که عیب را به آنها نشان داده، می‌شکنند. این در حالی است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: آنکه عیب تو را برایت آشکار سازد، خیرخواه توست[۸] و کسی که از تو تعریف کند و مدح و ستایش تو را بگوید، مثل این است که سرت را بریده باشد[۹]؛ یعنی کمر به نابودیت بسته است.

درک این‌گونه مسائل، با سواد و تحصیلات میسر نمی‌شود؛ بلکه خداوند متعال با الهام، چنین درک و فهمی را به انسان عطا می‌فرماید. البته آنکه تقوا داشته باشد، از جانب خداوند، درک و فهم نیکو پیدا خواهد کرد و به‌راحتی انتقاد سازنده را می‌پذیرد؛ اما چنین افرادی بسیار کمیاب و نادرند. کمتر کسی را می‌توان یافت که اگر حُسن او را بگویند، خوشش نیاید و اگر عیب و نقص او را بگویند، خیلی خوشحال شود و تشکر کند.

پی‌نوشت‌ها

۱- حجرات، ۱۲: «و بعضی از شما غیبت بعضی نکند! آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید!!»؛
۲- الأمالی(للطوسی)، ص ۵۳۷؛
۳- تحف العقول، ص ۲۴۵؛
۴- الکافی، ج ۲، ص ۳۵۷؛
۵- غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۷۳؛
۶- همان، ص ۶۳۵؛
۷- همان، ص ۵۷۹؛
۸- همان.

پاسخ به ادعای تفرقه‌افکنانه گرگیج

یادداشتی از حجت‌الاسلام والمسلمین حسین عشاقی عضو هیأت علمی گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

اخیراً آقای مولوی گرگیج یکی از ائمه جمعه اهل‌سنت، شبهه‌ای را مطرح کرده است که بر اساس آن، شیعیان باید خلافت عمر را مشروع بدانند؛ وگرنه همسری شهربانو نسبت به امام حسین علیه‌السلام نیز نامشروع خواهد شد؛ چون شهربانو از اسرائی بود که در جنگ اعراب با ایرانیان اسیر شد و اگر خلافت عمر نامشروع باشد، این جنگ و حوادث بعدی مترتب بر آن و از جمله همسری این بانو با امام حسین علیه‌السلام نیز نامشروع می‌گردد.

در رد این شبهه، پاسخ‌هایی وجود دارد که ذیلاً ذکر می‌کنم.

• ۱. اینکه شهربانو در زمان عمر اسیر شده باشد و جزء اسرای ایرانی در زمان عمر به مدینه آورده شده باشد، قطعیت تاریخی ندارد؛ زیرا حداقل دو نظر در مورد زمان ورود این بانو به مرکز خلافت در بین تاریخ‌دادنان مطرح است؛ یک نظر این است که این بانو در زمان جنگ‌های اعراب با ایران در خلافت عمر اسیر شده و جزء اسرای ایرانی در همین دوره به مدینه آورده شده و نظر دیگر این است که ورود او، نه در زمان جنگ‌های خلفای سه‌گانه با ایران؛ بلکه در زمان امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و توسط ارسال یکی از استانداران امیرالمؤمنین علیه‌السلام بوده است؛ بنابراین شبهه مذکور، اساسش یک واقعه مشکوک تاریخی است؛ نه واقعه قطعی و مسلم. روشن است که با یک قضیه مشکوک، نمی‌توان یک استدلال منطقی اقامه کرد.

• ۲. قضیه اسارت شهربانو و ورود او همراه با سایر اسرا به مدینه در زمان خلافت عمر، نه‌تنها مشکوک؛ بلکه بعیدترین احتمال در این موضوع است؛ زیرا حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام طبق دیدگاه مشهور مورخان، در سال ۳۸ هجری ولادت یافته است؛ حال آنکه عمر در سال ۲۳ هجری کشته شده است؛ حال اگر بر فرض، ورود حضرت شهربانو به مدینه را حتی در سال آخر خلافت عمر حساب کنیم، باید گفت بین ازدواج ایشان با امام حسین علیه‌السلام تا ولادت امام سجاد علیه‌السلام حداقل ۱۵ سال فاصله شده است و این همان‌گونه که مرحوم مجلسی در بحار می‌گوید (بحار، ج ۴۶ ص۱۰) کاملاً بعید و نامقبول است؛ مخصوصاً با توجه به اینکه امام حسین علیه‌السلام از این بانو، فرزندی جز امام سجاد علیه‌السلام نداشته است تا بگوییم، امام سجاد علیه‌السلام بعد از سایر فرزندان به‌دنیا آمده است؛ پس شبهه مذکور نه‌تنها در حد یک احتمال است؛ بلکه مبتنی بر یک احتمال تاریخی بسیار ضعیف و بعید است.

• ۳. پس دیدگاه معتبر در مورد ورود شهربانو به مرکز خلافت اسلامی همان است که شیخ مفید با قاطعیت نقل می‌کند که «کَانَ امیرالمؤمنین علیه‌السلام وَلَّی حُرَیْثَ‌بْنَ جَابِرٍ الْحَنَفِیَّ جَانِباً مِنَ‌الْمَشْرِقِ فَبَعَثَ إِلَیْهِ بِنْتَیْ یَزْدَجَرْدَبْنِ شَهْرِیَارَبْنِ کِسْرَی فَنَحَلَ ابْنَهُ‌الْحُسَیْنَ علیه‌السلام شَاهْزَنَانَ مِنْهُمَا فَأَوْلَدَهَا زَیْنَ‌الْعَابِدِینَ علیه‌السلام وَ نَحَلَ الْأُخْرَی مُحَمَّدَبْنَ أَبِی‌بَکْرٍ فَوَلَدَتْ لَهُ الْقَاسِمَ‌بْنَ مُحَمَّدِبْنِ أَبِی‌بَکْرٍ» (الارشاد، ج۲ ص ۱۳۷)؛ یعنی امیرالمؤمنین علیه‌السلام حریث‌بن جابر را به استانداری بخشی از مشرق (خراسان) گمارد و او از آنجا دو دختر یزدگرد را به سوی امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرستاد. سپس امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرزندش حسین علیه‌السلام را با یکی و محمدبن ابی‌بکر را با دیگری تزویج کرد؛ از اولی، امام سجاد علیه‌السلام متولد شد و از دومی، قاسم؛ پس گرچه در زمان عمر اسرایی از ایران به مدینه آورده شده‌اند؛ ولی دختران یزدگرد جزء این اسرا نبوده‌اند؛ بلکه این دو دختر در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مدینه آورده شدند؛ این دیدگاه معتبرترین دیدگاه در مورد زمان ورود دختران یزدگرد به مرکز خلافت است؛ زیرا شیخ مفید که کاملاً به تاریخ شیعه و سیره‌نویسی ائمه علیهم‌السلام تسلط دارد، بدون هیچ تردیدی در کتاب ارشادش فقط همین دیدگاه را نقل می‌کند و هیچ احتمال دیگری را حتی به‌صورت ضعیف هم نقل نکرده است. طبرسی نیز در «اعلام‌الوری، ص ۲۵۶» و محقق اربلی در «کشف‌الغمه ج۲ ص ۸۳» که هر دو از سیره‌نویسان قوی هستند، با قاطعیت و بدون توجه به سایر احتمالات، فقط همین نظر را می‌آورند.

• ۴. بر فرض که روایات دسته اول که ورود دختران یزدگرد به مدینه را در زمان عمر معرفی می‌کند، ملاک و سند قضاوت بدانیم، باز هم بر خلاف دیدگاه آقای گرگیج، این روایات بر مشروعیت خلافت عمر و کارهای او دلالتی ندارند؛ زیرا این روایات یا توسط کتب اهل‌سنت نقل شده‌اند که در این صورت روشن است، روایات و کتب هر قومی برای حریفانشان حجیتی ندارند و یا توسط کتب شیعه نقل شده‌اند؛ اما مشهورترین روایتی که در این‌باره در کتب شیعه آمده است، روایتی است که طبری شیعه در «دلائل‌الامامه ص ۱۹۵» و ابن‌شهرآشوب در کتاب «مناقب، ج ۴ ص ۴۸» و دیگران نقل کرده‌اند؛ ولی این روایت نه‌تنها بر مشروعیت خلافت عمر و اعمال او دلالتی ندارد؛ بلکه به‌عکس به‌گونه‌ای بر عدم مشروعیت خلافت او و کارهای او دلالت دارد؛ زیرا بر اساس این روایت عمر تصمیم می‌گیرد که زنان و مردان اسیر ایرانی را که در زمان او به مدینه آورده شده بودند، به بردگی بگیرد؛ اما حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام با دو دلیل، جلو این تصمیم عمر می‌ایستند و از چنین کاری مانع می‌شوند؛ در دلیل اول، امام به عمر تذکر می‌دهند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است که باید انسان‌های کریم و بزرگ‌منش را تکریم کرد و ایرانیان، دانشمند و بزرگ‌منش هستند؛ «وَ هَؤُلَاءِ الْفُرْسُ حُکَمَاءُ کُرَمَاءُ» و در دلیل دیگر، امام علیه‌السلام می‌گوید: مردم ایران دست صلح به سوی ما داده‌اند و به اسلام راغب گشته‌اند؛ «قَدْ أَلْقَوْا إِلَیْنَا بِالسَّلَمِ وَ رَغِبُوا فِی‌الْإِسْلَامِ»؛ امام در حقیقت با دلیل اول به عمر تذکر می‌دهند که چه جنگ با ایرانیان مشروع باشد و چه مشروع نباشد، به هر جهت، طبق سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، بزرگ‌منشی ایرانیان به تو اجازه نمی‌دهد که اسرای آنان را عبد سازی و برده افراد کنی و با دلیل دوم، امام علیه‌السلام به عمر می‌فهماند که چون ایرانیان دست صلح دراز کرده و به دین اسلام راغب گشته‌اند، اصلاً جنگ با چنین قومی که خود راغبند مسلمان شوند، مشروعیت ندارد؛ بنابراین اسیران چنین جنگ نامشروعی را نمی‌توان برده کرد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام بعد از این اعتراض به عمر، چون احساس می‌کنند که عمر حاضر به عقب‌نشینی از نظرش نیست، بلافاصله دست به یک کار عملی می‌زنند و عمر را در برابر یک کار انجام‌شده قرار می‌دهند؛ امام در حضور جمع، فرض را بر بردگی اسیران قرار می‌دهند و اعلان می‌کنند که من سهم خود را از این اسیران بخشیدم؛ دنبالش بنی‌هاشم و سپس مهاجران و انصار هم اعلان می‌کنند که ما نیز سهم خود را بخشیدیم. با این کار امام، عمر ناراحت شده به امیرالمؤمنین علیه‌السلام اعتراض کرده و به امام علیه‌السلام می‌گوید: «لِمَ نَقَضْتَ عَلَیَّ عَزْمِی فِی الْأَعَاجِمِ؟ وَ مَا الَّذِی رَغَّبَکَ عَنْ رَأْیِی فِیهِمْ؟»؛ چرا تصمیم مرا در مورد عجم‌ها شکستی؟ و چه چیزی ترا به رأی من در مورد ایرانیان بی‌رغبت کرد؟ ولی امام در پاسخ، باز همان دو دلیل را به او تذکر می‌دهند و بالأخره عمر را ملزم به قبول کرده و ساکت می‌کنند؛ بدین ترتیب امام علیه‌السلام، هم با شیوه تبیین گفتاری و هم با کار عملی، نامشروع بودن کار عمر و جنگ اعراب با ایرانیان را اثبات کردند؛ زیرا طبق دستورات اسلام، مشروعیت جنگ هجومی، شرایطی دارد و از جمله این شرایط، اینکه کفار حاضر به پذیرش دین اسلام نباشند؛ اما طبق فرمایش امام، ایرانیان ملتی دانشمند، فهمیده و بزرگ‌منش بودند و به دین اسلام راغب و متمایل بودند و جنگ با ملتی که خواهان اسلام بوده است، نه معقول است و نه مشروع؛ لذا به نظر می‌رسد، خلفای سه‌گانه می‌توانستند، با اعزام گروه‌های تبلیغی، عموم مردم ایران را به‌راحتی مسلمان سازند و نیازی به بیست سال جنگ و خونریزی نبود؛ خون‌ریزیی که در یک مورد آن، در منطقه حلوان طبق گزارش طبری تاریخ‌نگار، صد هزار ایرانی فقط در خندقی در این منطقه به دست اعراب کشته شدند (تاریخ‌الامم والملوک، ج ۴ ص۲۶)؛ پس این جنگ‌های حدوداً بیست‌ساله خلفای سه‌گانه با آن همه خونریزی‌های بی‌دلیل از نظر اسلام، هرگز مشروع نبوده است و همین عدم مشروعیت چنین فاجعه بزرگ بیش از بیست‌ساله توسط خلفا، حاکی از عدم مشروعیت حکومت آنهاست؛ پس این‌گونه احادیث در کتب شیعه نه‌تنها دلالت بر مشروعیت حکومت عمر ندارد؛ بلکه با تبیین و کاری که امام بر علیه عمر انجام دادند، دلالت بر عدم مشروعیت چنین حکومتی دارد.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مدیر جامعة‌الزهرا علیهاالسلام تصریح کرد

توجه به نیازهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در جذب طلاب جامعة‌الزهرا علیهاالسلام

سیده‌زهره برقعی ابراز کرد: در پذیرش امسال، اولویت‌دهی به جذب نخبگان و استعدادهای برتر و ایجاد راهکار مناسب می‌باشد. همچنین توجه به نیازهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در جذب طلاب مورد توجه است.

به گزارش خبرگزاری حوزه، سیده‌زهره برقعی، در نشست خبری پذیرش و ثبت‌نام آزمون ورودی سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ جامعة‌الزهرا علیهاالسلام، اظهار کرد: برای توانمندسازی طلاب و تأثیرگذاری و کارآمدی در مسئولیت‌شان، برنامه‌های مختلفی در حال تدوین است و برخی اجرا شده است. دوره‌های تربیت تدوین‌گر، تربیت مشاور، تربیت مبلغ متخصص، تربیت پژوهشگر، تربیت مترجم، پاسخگو به سؤالات فقهی و راه‌اندازی انجمن‌های علمی، نشست‌های علمی و کرسی‌های آزاداندیشی و بصیرت‌افزایی برای توانمندی‌سازی طلاب است.

مدیر جامعة‌الزهرا علیهاالسلام در این‌باره افزود: در این زمینه طرح‌های مختلفی مانند طرح شمیم، راه‌اندازی کانون‌های استانی، جشنواره بانوامین و ۱۶ نشریه داخلی داریم.

وی افزود: نکته‌ای که امسال مورد تأکید ماست، تربیت طلابی است که بر اساس استعداد، ظرفیت و علاقه و اقتضائات خاص فردی و اجتماعی، بتوانند تأثیرگذار و کارآمد باشند و در آینده در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش اساسی ایجاد کنند.

برقعی تصریح کرد: ما اهتمام داریم در این پذیرش به سمتی حرکت کنیم که از ابتدای پذیرش، این استعدادها و ظرفیت‌ها شناسایی شود و در فرایند تحصیل از بالقوه به بالفعل درآیند.

وی افزود: دوره‌های مهارتی در چند سطح برنامه‌ریزی شده تا در فرایند تحصیل و در قالب نظام آموزشی محقق شود.

وی بیان کرد: در بحث دوره عمومی ما ابتدا توانمندسازی اساتید را داریم تا اساتید با روش‌های نوین آشنا شوند و با برگزاری دوره‌های ارتقایی برای طلاب اثربخش باشند.

مدیر جامعة‌الزهرا علیهاالسلام اظهار کرد: مبنای جامعة‌الزهرا در پذیرش رسمی، حرکت به سمت کیفی و به‌گزینی است. در سطح دو و یادگیری معارف اسلامی، رویکرد ما حداکثری است تا طلاب از برنامه‌های آموزشی بهره‌مند شوند؛ اما در سطح سه و چهار بیشتر بحث نخبه‌گزینی است.

وی با بیان اینکه تحصیل در اینجا زنجیره معنادار و هدفمند و از مهد کودک تا سطوح مختلف دو، سه، چهار و دوره عالی فقه و اصول را در بر می‌گیرد، عنوان کرد: جامعة‌الزهرا علیهاالسلام از ایران و ۵۰ ملیت جهان طلبه دارد. بخش دیگر این مرکز، دانشکده جامعة‌الزهرا علیهاالسلام است که در ۱۱ رشته تحصیلی دانشجو می‌پذیرد و در کل هزار دانشجو تحصیل می‌کنند.

برقعی ابراز کرد: در پذیرش امسال، ما پیگیری می‌کنیم که اولویت‌دهی به جذب نخبگان و استعدادهای برتر و ایجاد راهکار مناسب باشد. همچنین توجه به نیازهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در جذب طلاب مورد توجه می‌باشد.

• ثبت‌نام از داوطلبان تا ۱۹ دی

حجت‌الاسلام والمسلمین سجودی معاون آموزشی تربیتی جامعة‌الزهرا علیهاالسلام نیز در این مصاحبه مطبوعاتی اظهار کرد: ثبت‌نام از داوطلبان شرکت در آزمون ورودی تمامی سطوح تحصیلی جامعة‌الزهرا علیهاالسلام از ۲۰ آذرماه آغاز شده و تا یک ماه ادامه دارد و اطلاعیه‌های ثبت‌نامی و منابع آزمون و لینک ثبت‌نام در پایگاه اطلاع‌رسانی جامعة‌الزهرا قرار گرفته است.

مسئول مرکز تربیت مبلغ معلم حوزه‌های علمیه در گفت‌وگویی مطرح کرد

از ماده ۲۸ جذب تا چگونگی ورود طلاب به مدارس آموزش و پرورش

حجت‌الاسلام سیدصمد موسوی در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه، در تشریح برنامه‌های مرکز تربیت مبلغ معلم، گفت: هدف از راه‌اندازی این مرکز کمک به آموزش و پرورش در عرصه تعلیم و تربیت است و لازم بود، طلاب و حوزویان متخصص و متعهد در امور تربیتی و تبلیغی در مدارس مختلف آموزش و پرورش وارد شوند و نفس تازه‌ای به این مجموعه وزین بدهند.

مسئول مرکز تربیت مبلغ معلم حوزه‌های علمیه، با اشاره به مهمترین دلیل راه‌اندازی این مرکز، بیان کرد: با وجود گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب اسلامی و تأکیدات اسناد بالادستی دو نهاد و همچنین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، متأسفانه شاهد حضور کم‌رنگ حوزه علمیه در عرصه آموزش و پرورش هستیم؛ لذا در سال‌های اخیر با بسترسازی مناسب سعی شده است، دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه، همانند دانش‌آموختگان سایر مراکز آموزش عالی، در آزمون استخدامی آموزش و پرورش مستند ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان شرکت کرده

و با طی مراحل جذب و گذراندن دوره یک‌ساله مهارت‌آموزی، وارد این مرکز مهم شوند.

وی در توضیح ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان ادامه داد: بر اساس این ماده واحده به دانشگاه فرهنگیان اجازه داده شده که از طریق مراکز آموزش عالی و حوزوی، متقاضیان عرصه تعلیم و تربیت بر اساس قوانین سازمان استخدامی، جذب آموزش و پرورش شوند و حوزه نیز، براساس وظیفه ذاتی خود در این مرحله قدمی برداشت و طلاب و روحانیون برادر و خواهر جذب آموزش و پرورش شدند.

حجت‌الاسلام موسوی ضمن تأکید بر پرباری و غنای دوره‌های مهارتی بیان کرد: در گذشته طلاب تنها در ۳ رشته می‌توانستند در آزمون شرکت کنند؛ اما امروز به ۸ رشته افزایش یافته است و از ظرفیت اساسی حوزه‌های علمیه در این زمینه استفاده می‌شود؛ چراکه مؤسسات و مراکز حوزوی علاوه بر رشته‌های اصیل اسلامی در رشته‌های علوم انسانی از دیرباز صاحب‌نظر بودند و قدمت حوزه و رشته‌های علوم انسانی، به‌خوبی نشان‌دهنده غنای علمی حوزه علمیه و استخراج علوم انسانی از متون اصیل حوزوی است.

وی افزود: برنامه اصلی ما ایجاد مرکزی با هویت حوزوی است که باید با خط فرمان حوزه به‌صورت رسمی، قانونمند و مورد تأیید وزارت علوم و آموزش و پرورش در جذب، آموزش و ورود طلاب توانمند به عرصه تعلیم و تربیت تلاش نماید.

وی در بیان برنامه‌های این مرکز افزود: از مهمترین برنامه‌های دیگر ما، تعامل گسترده با نهادهای حوزوی، دانشگاهی و وزارت آموزش و پرورش است و تلاش خواهیم کرد، راه ورود دانش‌آموختگان برادر و خواهر؛ اعم از فارغ‌التحصیلان حوزه‌های علمیه قم، خراسان، اصفهان، جامعة‌الزهرا علیهاالسلام و حوزه‌های علیمه خواهران را فراهم آوریم؛ لذا همه مراکز حوزوی در این مرکز فعالیت خواهند کرد تا کار در تراز ملی و از طرف حوزه باشد و همه حوزه به‌معنای تام در اینجا سهم داشته باشند.

حجت‌الاسلام موسوی، ضمن بیان این مطلب که در معاونت‌های مختلف حوزه‌های علمیه؛ از جمله تبلیغ و امور فرهنگی، آموزش، پژوهش، تهذیب و... برنامه‌های مناسبی برای امور تربیتی و تعلیمی وجود دارد، خاطرنشان کرد: با کمک این معاونت‌ها، می‌خواهیم معلم مبلغ‌هایی تربیت و اعزام شوند که بتوانند، دانش‌آموز در تراز انقلاب اسلامی تربیت کنند. آن‌وقت این‌ها کسانی خواهند بود که در وهله اول طلبه‌اند و مبلغ‌اند و می‌دانند که وظیفه اساسی‌شان تربیت است.

وی افزود: استمرار و ارتقای دوره‌های مهارتی یک‌ساله، برنامه‌ریزی و اجرای رشته تخصصی تربیت معلم مبلغ، استمرار و ارتباط با دانش‌آموختگان حوزوی، ایجاد فضای آموزشی مناسب با هویت طلبگی و تأکید بر اهمیت حفظ لباس روحانیت در مدارس آموزش و پرورش، از دیگر برنامه‌های دارای اولویت مرکز خواهد بود.

مسئول مرکز تربیت مبلغ معلم حوزه‌های علمیه در ادامه افزود: در ساحت آموزش و پرورش علاوه بر معلمان، مدیران و سایر معاونان تأثیر بسزایی در نظام تربیتی کودکان و نوجوانان دارند؛ ولی بیشترین سهم تربیتی متوجه معلمانی است که دغدغه دین داشته و وظیفه تبلیغ دین بر عهده ایشان است؛ بنابراین در حال تدوین طرحی هستیم که بتوانیم، در مرحله عمل خدمات و اقداماتی در شأن این ساحت مقدس داشته باشیم و علاوه بر تربیت معلمان دلسوز، به تربیت مدیران و معاونان شایسته در طراز انقلاب اسلامی از بین روحانیون علاقه‌مند به این موضوع بپردازیم.

وی عنوان کرد: بسیاری از معلم‌ها دغدغه دین دارند و برای دست‌یابی به مطالب عالیه دین و بیان آن به زبان مخاطب، کوشش مجدانه‌ای می‌کنند و ما نیز با توجه به رسالت حوزوی، به دنبال آنیم که مسائلی چون مهارت‌افزایی، بصیرت‌افزایی و تقویت امور دینی برای معلمان و مدیران را در سطح کشور به‌صورت تخصصی برگزار نماییم تا حوزه بخشی از دین خود را به آموزش و پرورش ادا نماید.